

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



بسمه تعالی

# برابری آموزشی و توسعه پایدار

(مروری بر مفاهیم، عوامل، نظریات و ...)

مؤلف: رضا رأفتی

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۶

سرشناسه: رافتی، رضا، ۱۳۶۳ -  
عنوان و نام پدیدآور: برابری آموزشی و توسعه پایدار (مروری بر مفاهیم، عوامل، نظریات و ...) [کتاب] / مولف رضا رافتی.  
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۶۱-۷-۷  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۱.  
موضوع: آموزش و پرورش -- فرصت‌های برابر  
Educational equalization  
موضوع: آموزش و پرورش -- جنبه‌های اجتماعی  
Education -- social aspects  
موضوع: برنامه‌ریزی آموزشی  
Educational planning  
موضوع: آموزش و پرورش و دولت  
Education and state  
موضوع: برابری  
Equality  
موضوع: توسعه پایدار  
Sustainable development  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب۴ ۱۳۳/۲ LC۲۱۳  
رده بندی دیویی: ۳۷۹/۲۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۲۰۶۸

نام کتاب: برابری آموزشی و توسعه پایدار  
(مروری بر مفاهیم، عوامل، نظریات و...)  
مولف: رضا رافتی  
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۸۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۶۱-۷-۷  
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

# فهرست مطالب

عنوان

صفحه

## فصل اول : آموزش و توسعه پایدار

۱-۱. مقدمه	۱۳
۲-۱. توسعه پایدار	۱۳
۱-۲-۱. آموزش و توسعه	۱۷
۲-۲-۱. نابرابری آموزشی و توسعه	۱۸
۳-۲-۱. آموزش و توسعه پایدار	۲۲
۳-۱. نابرابری آموزشی	۲۳
۱-۳-۱. آموزش و پرورش	۲۳
۲-۳-۱. مفهوم نابرابری آموزشی	۲۵
۳-۳-۱. پیشینه تاریخی نابرابری آموزشی	۳۳
۴-۳-۱. عدالت و برابری	۳۴

## فصل دوم : عدالت از منظر بزرگان

- ۳۹ ..... ۱-۲- پیش سقراطیان
- ۳۹ ..... ۱-۱-۲. هرقلیطوس (هراکلیتوس)
- ۳۹ ..... ۲-۱-۲. سوفسطاییان
- ۴۰ ..... ۲-۲. سقراط
- ۴۱ ..... ۱-۲-۲. افلاطون
- ۴۱ ..... ۲-۲-۲. ارسطو
- ۴۲ ..... ۳-۲-۲. رواقیون
- ۴۳ ..... ۳-۲. قرون وسطی
- ۴۴ ..... ۱-۳-۲. آگوستین
- ۴۴ ..... ۲-۳-۲. توماس هابز
- ۴۵ ..... ۳-۳-۲. اسپینوزا
- ۴۵ ..... ۴-۳-۲. هیوم
- ۴۷ ..... ۵-۳-۲. روسو
- ۴۷ ..... ۶-۳-۲. کانت
- ۴۸ ..... ۷-۳-۲. هگل
- ۴۹ ..... ۴-۲. فایده‌گرایان یا اصحاب اصالت فایده
- ۴۹ ..... ۱-۴-۲. جرمی بنتهام

- ۴۹ ..... ۲-۴-۲. جان استوارت میل
- ۵۰ ..... ۲-۴-۳. هنری سیجویک
- ۵۰ ..... ۲-۴-۴. کارل مارکس

### فصل سوم : نظریه‌های نابرابری آموزشی

- ۵۳ ..... ۳-۱-۱. نظریه‌های نابرابری آموزشی
- ۵۳ ..... ۳-۱-۱. کارکردگرایی و برابری فرصت‌های آموزشی
- ۵۵ ..... ۳-۱-۲. تضادگرایان و نابرابری آموزشی
- ۵۶ ..... ۳-۱-۳. مارکسیسم و نابرابری آموزشی
- ۵۹ ..... ۳-۱-۴. سرمایه داری و نابرابری آموزشی
- ۵۹ ..... ۳-۱-۵. سوسیالیسم و نابرابری آموزشی
- ۶۰ ..... ۳-۱-۶. کمونیسم و نابرابری آموزشی
- ۶۱ ..... ۳-۱-۷. آنارشیزم و نابرابری آموزشی
- ۶۱ ..... ۳-۱-۸. رادیکالیسم و نابرابری آموزشی
- ۶۳ ..... ۳-۱-۹. لیبرالیسم و نابرابری آموزشی
- ۶۴ ..... ۳-۱-۱۰. محافظه کاری و نابرابری آموزشی

### فصل چهارم: عدالت و برابری از دیدگاه قرآن کریم و ائمه (ع) و بزرگان مکتب شیعه

- ۶۹ ..... ۴-۱-۱. عدالت و برابری در قرآن کریم

۲-۴. برابری و عدالت از دیدگاه نهج البلاغه ..... ۷۳

۳-۴. عدالت و برابری از دیدگاه امام خمینی (ره) ..... ۷۶

### فصل پنجم: ابعاد و مولفه‌های موثر بر نابرابری‌های آموزشی

۱-۵. ابعاد نابرابری‌های آموزشی ..... ۸۳

۲-۵. عوامل موثر بر نابرابری‌های آموزشی ..... ۸۸

۱-۲-۵. عوامل مربوط به دانش آموز ..... ۸۸

۱-۱-۲-۵. وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES) ..... ۹۰

۲-۱-۲-۵. اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی - اجتماعی ..... ۹۸

۳-۱-۲-۵. سرمایه فرهنگی و نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو ..... ۱۰۰

۴-۱-۱-۵. جنسیت ..... ۱۰۸

۵-۱-۲-۵. نابرابری، قومیت و نژاد ..... ۱۱۱

۶-۱-۲-۵. زبان و نابرابری آموزشی ..... ۱۱۲

۷-۱-۲-۵. آرزوهای تحصیلی و نابرابری ..... ۱۱۵

۲-۲-۵. عوامل مربوط به معلم ..... ۱۱۷

۳-۲-۵. عوامل سطح نظام آموزشی ..... ۱۲۱

۴-۲-۵. عوامل مدرسه ای ..... ۱۲۲

۵-۲-۵. فرایندهای مدرسه ..... ۱۲۴

۱-۵-۲-۵. جو مدرسه ..... ۱۳۱



- ۱۳۳ ..... ۵-۲-۶. نابرابری پرونده‌های آموزشی
- ۱۳۳ ..... ۵-۲-۶-۱. پیشرفت تحصیلی (برونداد شناختی)
- ۱۳۷ ..... ۵-۲-۶-۲. بروندادهای غیرشناختی

### فصل ششم: شاخص‌های آموزشی

- ۱۴۷ ..... ۶-۱- شاخص‌های آموزشی
- ۱۴۷ ..... ۶-۲- تعریف شاخص
- ۱۵۳ ..... ۶-۳- سیستم شاخص‌ها (نشانگرها)
- ۱۵۹ ..... ۶-۴- مطالعات مربوط به شاخص‌های آموزش و پرورش

### فصل هفتم: برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش و پرورش

- ۱۶۹ ..... ۷-۱- برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش و پرورش
- ۱۷۲ ..... ۷-۱-۱. برنامه‌ریزی استراتژیک در آموزش و پرورش
- ۱۷۵ ..... ۷-۱-۲. اصول برنامه‌ریزی استراتژیک در آموزش و پرورش
- ۱۷۷ ..... ۷-۱-۳- فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک
- ۱۷۸ ..... ۷-۱-۴. سطوح برنامه‌ریزی استراتژیک در نواحی آموزش و پرورش
- ۱۷۹ ..... منابع و مآخذ



**فصل اول :**

**آموزش و توسعه پایدار**



## ۱-۱. مقدمه:

در این فصل با توجه به هدف پژوهش سعی می‌شود تصویر دقیقی از هر یک از متغیرها ارائه شود. برای این منظور، ابتدا بحث توسعه پایدار به میان می‌آید سپس نقش آموزش در توسعه پایدار مطرح می‌شود و بعد از آن نابرابری‌های آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعد از آن عوامل تاثیرگذار بر نابرابری‌های آموزشی به تفصیل بررسی می‌شود که در این بخش پس از بحث مفهومی روی آنها رابطه نظری آنها با نابرابری‌های آموزشی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در انتهای فصل نیز بحثی در رابطه با پژوهش‌های انجام یافته قبلی آمده است.

## ۱-۲. توسعه پایدار:

تا اوایل دهه هشتاد میلادی با حاکم بودن الگوواره رشد، تصور بر این بود که تنها راه رسیدن به توسعه، افزایش رشد اقتصادی و به تبع آن، افزایش تولید و مصرف و استفاده بیش از پیش از منابع طبیعی و در نتیجه شکل گرفتن چرخه معیوب رشد اقتصادی، افزایش جمعیت، تخریب منابع و ... بود. به منظور رفع مشکلات پیش آمده، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۳ رویکرد جدید توسعه پایدار را مطرح ساخت.

واژه توسعه پایدار<sup>۱</sup> را اولین بار به طور رسمی برانندت لند<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۷ در گزارش "آینده

---

1. *sustainability development*

2. *brandet land.*

مشترک ما " مطرح کرد. این واژه در مفهوم گسترده خود به معنی " اداره و بهره برداری صحیح و کارا از منابع طبیعی پایه و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با بکارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب، رفع نیاز نسل امروز و آینده به طور مستمر و رضایت بخش امکان پذیر می سازد" (زیاری، ۱۳۸۰: ۳۷۳).

توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای نسل کنونی را برآورده سازد، بدون اینکه نسل های آینده در رفع نیازهایشان با خطر مواجه شوند. ریشه اصلی "توسعه پایدار" را می توان به کنفرانس بین دولتی نسبت داد که توسط یونسکو در سال ۱۹۶۸ با هدف آشتی محیط زیست و توسعه برگزار شد و منجر به تدوین برنامه انسان و بیوسفر گردید. این کنفرانس گامی اساسی به سوی برگزاری اجلاس محیط زیست انسانی در استکهلم در سال ۱۹۷۲ گردید. در سال ۱۹۷۲ اولین کنفرانس سازمان ملل و محیط زیست و در سال ۱۹۸۷ دومین کنفرانس در استکهلم سوئد برگزار شد و در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس موسوم به اجلاس زمین در ریودوژانیروی برزیل که بعدها به اجلاس ریو مشهور شد در دستور ۲۱ بحثی بنام عدالت درون نسلی و عدالت برون نسلی مطرح شد. فعالان عرصه های مختلف توسعه پایدار بر آنند که بازدودن محرومیت از چهره جهان، دنیای آینده به محیطی با آزادی و صلح و برابری تبدیل شود. توسعه پایدار به عنوان یکی از مناظرات محوری جهان تقریباً همه عرصه های حیات بشری نظیر فقر، نابرابری، آموزش و بهداشت، محیط زیست، حقوق زنان و کودکان، آزادی ملتها و نیز صنعت و سیاست و اقتصاد و همکاریهای بین المللی را تحت تاثیر قرار داد، و به عنوان گستره ای نوین با داعیه پاسخ به مسائل خطیری که چرخه حیات و طبیعت و نوع بشر را به مخاطره افکنده است، در عصر جدید مطرح شده است. در توسعه پایدار، انسان مرکز توجه است و انسانها، هماهنگ با طبیعت، سزاوار حیاتی توأم با سلامت و سازندگی هستند؛ فعالان عرصه های مختلف توسعه پایدار بر آنند که بازدودن محرومیت از چهره جهان، دنیای آینده بهمحیطی برازنده برای زندگی توأم با آزادی، صلح و برابرتبدیل شود (فراهانی فرد، ۱۳۸۴). توسعه پایدار در بهره برداری از داده های طبیعی محدود به حد بازتولید و جبران آنهاست. در غیر اینصورت موازنه منفی در بهره برداری از سرمایه طبیعی به کاهش تدریجی آن منجر شده و توسعه را ناپایدار می کند. مفهوم جدید توسعه پایدار کلی نگر است و

همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر نیازهای بشری را در بر می گیرد. به اعتباری، مهمترین جاذبه در توسعه پایدار در جامع نگری آن است. در بحث توسعه پایدار در آموزش نیز منظور برخورداری همه نواحی از آموزش برابر و با کیفیت می باشد.

آرمان‌ها و اصول توسعه پایدار، مفاهیم گسترده‌ای از جمله برابری بین نسلی، برابری جنسیتی، تعادل اجتماعی، کاهش فقر، عدالت اجتماعی، حفاظت و احیای محیط زیست و منابع طبیعی و ایجاد جوامعی که صلح بر آنها حاکم است را در بر می گیرد (آراسته و امیری، ۱۳۹۰: ۳۰). آموزش، ابزاری است که با استفاده از آن می توان ابعاد گوناگون توسعه پایدار را تحقق بخشید.

امروزه دستیابی به رشد و توسعه پایدار از مباحث عمده کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می رود. کشورهای در حال توسعه جهت جبران عقب ماندگی ها و فرار از فقر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ... و برای رسیدن به توسعه ای متعادل و همه جانبه که منجر به بهبود زندگی همه انسانها گردد نیازمند برنامه ریزی مناسب و بهینه در سطح ملی و منطقه ای هستند. شکاف رو به تزاید فقیر و غنی در سطح ملی و منطقه ای در نیم قرن اخیر همه شواهدی بر عدم موفقیت کامل اهداف و راهبردها توسعه است (سرور و موسوی ۱۳۹۰: ۹).

به دنبال اثربخشی برنامه های آموزش محیط زیست «آموزش برای توسعه پایدار» برای اولین بار در فصل ۳۶ دستور کار ۲۱ گنجانده شد. این فصل چهارمولفه اصلی برای آغاز کار مشخص نمود که عبارت بودند از:

۱. بهبود آموزش پایه

۲. بازنگری دوباره آموزش موجود برای رسیدن به توسعه پایدار

۳. افزایش درک و آگاهی عمومی

۴. مهارت آموزی

بر اساس توافقات به عمل آمده در کنفرانس زمین در سال ۱۹۹۲ که نتیجه آن دستور کار ۲۱ بود، وظیفه تحقق آموزش برای توسعه پایدار بر عهده یونسکو گذاشته شد (کریمی و

عنایتی، ۱۳۹۱: ۶۰).

مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۷، با تأکیدی دوباره بر دستور کار ۲۱، پس از گذشت پنج سال از اجلاس ریو، با تصویب قطعنامه ای «نظام تعلیم و تربیت موثر و تخصیص منابع مالی متناسب برای همه سطوح تحصیلی به ویژه ابتدایی و متوسطه» را پس زمینه و اساس ضروری برای نیل به توسعه پایدار تعریف کرد و لزوم بازنگری و تصحیح جهت گیریهای تعلیم و تربیت در همه کشورها را مورد تأکید قرار داد (یونسکو، ۱۹۹۷).

وقتی از توسعه پایدار صحبت می‌شود منظور توسعه ای است که به بقای بشر و رفاه کامل و همه جانبه او می‌نگرد. توسعه پایدار با تمام زنجیره ها، فرایندهای پویا منابع انسانی منابع طبیعی و نظام سخت افزاری جامعه در یک شکل تعاملی است و درصدد ایجاد تعامل بین حال و آینده، انسان و طبیعت و عدالت و رفاه بین و درون نسل هاست (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

دهه آموزش برای توسعه پایدار توسط مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۲۰۰۲ پذیرفته شد و کار اداری خود را رسماً در مارس ۲۰۰۵ شروع کرد. این دهه در واقع در پاسخ به افزایش شکاف درآمدی بین غنی و فقیر در دهه ۱۹۹۰ و افزایش تضاد بعد از جنگ سرد و تخریب‌های بلند مدت محیط زیست در نظر گرفته شد. پیشنهاد برای اعلام دهه آموزش برای توسعه پایدار به وسیله هیات ژاپنی در اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبرگ در سال ۲۰۰۲ به عنوان راهی اثربخش برای افزایش آگاهی و درک از توسعه پایدار و تأکید بر نقش آموزش در تسریع فعالیتهای پایدار داده شد. این دهه بخشی از مأموریت جهانی برای ارتقای توسعه پایدار در یک مقیاس جهانی بود و با سایر ابتکارات بین المللی نظیر اهداف توسعه هزاره در ارتباط بود (UNESCO, 2005).

دهه توسعه پایدار عرصه ای است که هر کس این فرصت را دارد که از آموزش منفعت ببرد و ارزشها، رفتارها و سبک‌های زندگی را که برای یک آینده پایدار لازم است یاد بگیرد. هدف نهایی، در واقع تلفیق ارزشها، اصول و اقدامات توسعه پایدار در همه جنبه‌های آموزش و یادگیری می‌باشد و نشان دادن مسائلی نظیر فقر، گرسنگی، ایدز و تخریب محیط زیست



بخشی از دستاوردهای این هدف می‌باشد (همان منبع).

## ۱-۲-۱. آموزش و توسعه:

امروزه از آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای در جهت رشد و توسعه اقتصادی، توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی، تأمین کننده نیروی کار ماهر و کارآزموده و در نهایت، به عنوان وسیله‌ای جهت ارتقای کیفیت زندگی آحاد مردم یک جامعه یاد می‌شود (حسینی و عزیزی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰). «از این رو، هر جامعه‌ای آموزش و پرورش را نهادی کرده و سازمان می‌دهد تا از طریق آن بتواند نسل‌های جدیدی را پرورش داده، بقا و دوام اجتماعی و فرهنگی خود را تضمین کند» (علاقه‌بند، ۱۳۸۳: ۶۱).

یکی از مسائل مورد نظر غالب کشورهای جهان، توسعه در کلیه ابعاد آن می‌باشد. توسعه به معنای افزایش رفاه مادی و معنوی جامعه و ارتقای افراد به درجات عالی‌تری از تکامل است که علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی اجتماعی-اداری و نیز وجهه نظرهای عمومی مردم می‌شود (حسینی و عزیزی نژاد، ۱۳۹۰: ۵۴). یکپارچه‌سازی عوامل مهم توسعه یافتگی کشورها، آموزش علمی و اجتماعی است که خود، زمینه‌ساز پرورش خلاقیت‌های انسانی است. آموزش و پرورش، نقش عمده‌ای در تربیت، ایجاد خلاقیت، پرورش، انسان‌سازی و زیربنای فکری جامعه به عهده دارد. پایه تربیت و آموزش و به فعل در آوردن استعداد‌های جوانان از طریق آموزش و پرورش با کیفیت و برخوردار صورت می‌پذیرد. بنابراین، می‌بایست قسمت عمده‌ای از سرمایه‌گذاری کشورها، معطوف به آموزش نیروی انسانی شود؛ زیرا با بالا رفتن توان نیروی انسانی از طریق آموزش، شاهد رشد چشمگیر کشور در همه زمینه‌ها خواهیم بود (موسوی و حسینی، ۱۳۹۰: ۲). هدف نهایی توسعه، بهبود سطح زندگی افراد جامعه از طریق کاهش فقر، بیکاری و نابرابری است.

توسعه یکی از مفاهیمی است که بعد از جنگ جهانی دوم در مباحث علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و کشوری و نیز در مباحث بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. بنابراین توسعه را می‌توان فرایندی همه‌جانبه دانست که در نتیجه آن جامعه باید به سوی از میان برداشتن عواملی مثل گرسنگی، فقر، بیماری، آسیب‌های اجتماعی و بیکاری در جهت

مثبت پیش رود و منجر به پایداری جوامع گردد (قره باغیان، ۱۳۷۲: ۱۶).

شناخت فرایند توسعه تنها از راه بررسی متغیرهایی حاصل می‌شود که علت تفاوت و نابرابری‌اند و رشد و توسعه نابرابر و ناهمگن فضاها، آموزشی و مناطق آموزش و پرورش در شهرهای مختلف در عدم توسعه شهرها و مناطق نیز تأثیرگذار خواهد بود. به سخن دیگر هر جا که نابرابری‌های آموزشی به حد اعلای خود برسد آهنگ توسعه نیز کاهش پیدا خواهد کرد. اما گسترش همگن و برابر مراکز آموزشی بزرگ‌ترین عامل مهم در جهت توسعه مناطق شهرها خواهد گردید (موسوی و حسنی، ۱۳۹۰: ۲).

### ۱-۲-۲. نابرابری آموزشی و توسعه:

نابرابری در آموزش با نابرابری‌های وسیع در توزیع قدرت، ثروت و فرصت عجین شده است و از طریق سیاست‌هایی که توزیع ناعادلانه فرصت‌های زن‌دگيرادام نمی‌زند ادامه می‌یابد - سیاست‌هایی که باعث سرایت فقر در بین نسل‌های می‌شود. نابرابری آموزشی مشاهده شده در برخی کشورها قابل پذیرش نیست. شرایطی که کودکان در آن به دنیای آیند، جنسیت‌شان، ثروت والدین‌شان، زبان و رنگ پوست‌شان نباید تعیین‌کننده فرصت‌های یادگیری‌شان باشد. تبعیض بیش از حد در آموزش جدای از غیرمنصفانه بودن نا کارآمد نیز هست زیرا باعث توقف رشد اقتصادی و مانع پیشرفت در سایر زمینه‌های می‌شود.

نابرابری‌های بیش از حد در آموزش با تبعیض‌های وسیع‌تری در سطح جامعه پیوند خورده است. غلبه بر این نابرابری‌ها مستلزم رهبری دولتی موثر و متعهد و همراه با بخش دولتی مجهز به منابع انسانی و مالی جهت از بین بردن معایب است و فراتر از آن نیاز به مدیریت درست است. اداره کردن به فرایند‌ها، سیاست‌ها و شرایط سازمانی مربوط می‌شود که بسیاری از نقش‌آفرینان آموزش را به هم پیوند می‌زند. مدیریت، مسئولیت دولت‌ها را در حیطه‌هایی چون امور مالی، مدیریت و قوانین و مقررات تعیین می‌کند. مقررات کنترلی مشخص می‌کند که چه کسانی چه تصمیماتی اتخاذ کنند و وزارت دارایی یا آموزشی و پرورشی گرفته تا کلاس درس و جامعه اقدامات کنترل‌کننده‌ی مناسب به پرورش، رشد بیشتر و جامع و پاسخگو تر نظام‌های آموزشی که نیازهای واقعی از نظر دور ماند هراتامی نمی‌کنند می‌انجامد. گسترش و برابری

فرصت ها در آموزش و پرورش، فی النفسه از اهداف توسعه هستند. پیشرفت به سوی آموزش برابر می تواند به عنوان یک میانجی قدرتمند برای پیشرفت در سایر زمینه ها عمل کند. زمینه هایی چون: بهداشت عمومی، کاهش فقر، برابری جنسیتی، مشارکت و دموکراسی.

رشد اقتصادی برابر و مبتنی بر توسعه کلید کاهش فقر است. شواهد مستحکمی برای رابطه بین آموزش و رشد و باروری زیاد وجود دارد. افزایش اهمیت دانش برای رشد اقتصادی باعث تحکیم این رابطه خواهد شد. هنگامی که فرصت های آموزشی در سطح وسیعی به طور مساوی توزیع گردد و گروه های حاشیه نشین در آن مشارکت داشته باشند، بعداً رشد اقتصادی توزیع شده تقویت می گردد (گزارش پایش جهانی آموزش برای همه، ۱۳۸۸:۱۷).

تحول و دگرگونی بشر در اثر به رهگیری از علم در همه جا و هم زمان آغاز نشد، به طوری که این تغییر و تحول نامتجانس وضعیتی به وجود آورده است که در تاریخ نمونه آن رانمی توان یافت. ثروتمند و فقیر از همان آغاز تمدن وجود داشته اند. نخستین نابرابری نابرابری میان کشورهای ثروتمند و فقیر است. نابرابری دیگر نابرابری بین افراد ثروتمند و فقیر است. (گلدترب، ص ۱۱). موضوع دیگر نابرابری در کشورهای فقیر است. بسیاری از نویسندگان به اختلافات زیاد درآمد و ثروت میان اشخاص و خانواده هادر کشورهای فقیر صحنه گذاشته اند (همان، ص ۱۴۶)

توجیه عقلی گسترش عظیم نظامهای آموزشی گاهی جدید در عباراتی همچون « سرمایه گذاری در منابع انسانی» تجلی یافته است. کشورهای تازه به استقلال رسیده می بایست در نظام اقتصادی در حال گسترش خود افرادی دارای تحصیلات بالا را بکار بگیرند. سواد همگانی برای بزرگسالان و کودکان بی شک راه را برای توسعه و ترقی خواهد گشود. بویژه اگر توام با انتخاب مناسب و معقول باشد زیرا تحصیلات بالا تحرک اجتماعی را افزایش خواهد داد (همان، ۱۴۷).

توزیع فرصت آموزشی نقش کلیدی در شکل دادن چشم انداز توسعه انسانی ایفای می کند. بسیاری از کشورها، دولت ها و مردم به طور فزایندهای دریافته اند که فرصت های برابر در آموزش به نابرابری ها در درآمد، سلامت و امید بیشتر به زندگی مرتبط است و آنچه که

در درون کشورها واقعیت دارد در بین کشورها نیز واقعیت دارد.

تبعیض های بزرگ جهانی در آموزش قطبی شدگی های عمیق بین ملت های فقیر و غنی را در درآمد، سلامت و سایر جنبه های توسعه انسانی بیشتر می کند. افزایش شدید شکاف در فرصت های آموزشی به هیچ وجه پسندیده نیست. آموزش جزئی از حقوق بشر جهانی است. به هر حال، لذت بردن از این حق به شدت به محیط تولد و میراث بستگی دارد. فرصت های آموزشی به شدت متأثر از مکانی است که یک فرد متولد می شود و همچنین عوامل دیگری نظیر درآمد والدین، جنسیت و قومیت که کودکان هیچ نقشی در تعیین آن ندارند. از منظر جهانی، متولد شدن در یک کشور در حال توسعه شاخص محکمی برای محرومیت از فرصت به حساب می آید. دستیابی به مدارس، که با احتساب میانگین سالها و پایه های قبولی در آموزش اندازه گیری می شود، یکی از راه های در واقع محدود اندازه گیری نابرابری جهانی است. در حالی که تقریباً تمام کشورهای عضو دستیاران OECD (سازمان همکاری ها و توسعه اقتصادی جهانی) تا پایه نهم را محقق کرده اند، اغلب کشورهای قرار گرفته در مناطق در حال توسعه تا رسیدن به این موقعیت فاصله زیادی دارند.

یکی از راه های اندیشیدن به فرصت نابرابر این است که بخت دسترسی به یک سطح معین از آموزش یک کودک که در یک کشور متولد می شود نسبت به یک کودک که در جایی دیگر متولد می شود مورد مشاهده قرار گیرد. نابرابری های جهانی در آموزش آینه نابرابری های درآمدی است. این ارتباط تصادفی نیست. همان گونه که رابطه بین آموزش و تولید ثروت پیچیده است، دانش نیز محرک مهمی برای رشد اقتصادی و تولید به شمار می رود. در یک اقتصاد بین المللی به طور فزاینده دانش محور، نابرابری ها در آموزش اهمیت بیشتری پیدا می کند (گزارش پایش آموزش برای همه، ۱۳۸۸: ۲۵).

آموزش، همواره از دغدغه های دولت ها در دستیابی به توزیع عادلانه امکانات و تخصص ها بوده است و به همین دلیل در زمره مهم ترین سیاست های عمومی قرار داشته است. این دیدگاه که هزینه کردن منابع مالی توسط دولت در بخش آموزش، با منفعت هم راه نیست و لذا بهتر است که دولت باری را در این عرصه متحمل نشود، چالشها و بحث هایی را به وجود آورده است که از جمله آنها مسأله تأثیر آموزش بر توزیع درآمد است. آموزش عمومی، بهره وری افراد کم